

چشمه

شعر • داستان • گپ

جلال
خالقی مطلق

ارج نامه



۱۵

دوماهنامه ادبی جامه

شماره پانزدهم

دی و بهمن ۱۳۹۹

سیدمحمد دبیرسیاقی | احمد خاتمی | ابوالفضل خطیبی | محمود امید سالار | حسن ذوالفقاری | امید مجد
علی ایمانی | داود خزایی | محمدصادق گرانبها | زاگرس زندا محمدشکری فومشی | زهرا آقابابایی | امیناز مقدسی
هرمز علی پور | عبدالرحمان فرقاتی | فراسریا داودی | حموله | حبیب پیام | علی شهسوار | سعید یوسف نیا
محمدجواد جزینی | آشا غنی زاده | ارمغان غیاثی | اسیمین نادمی | پورج قربانی | صبا عباس پور
ضیاالدین خالقی | فیروزه برازجانی | سیروس امیری | زنگنه | آرش عندلیب | علیرضا مجابی | م. آذر فر
مهر و پیرحیاتی | مسعود غفوری | ایدرین سوا | صادق رحمانی | محمدالامین الکرخی | خاطره خسروی

C H A M E H



◀ گنجشک کی اشک ریخت
اشک ریخت
اشک ریخت
▶ تا درخت را از حریق نجات دهد

محمد الأمين الكرخي



دوماهنامه ادبی

صاحب امتیاز و مدیر: محمدصادق رحمانیان
شماره تلفن: ۰۹۱۲۱۴۸۶۹۶۱

مدیر هنری: ابوذر ابراهیم
حروفچینی: راضیه آخوندی
مدیر اجرایی: محمداسماعیل حق پرست
روابط عمومی و اشتراک: زهرا منتظری

نشانی: تهران، ستاری جنوبی، لاله شرقی، بنفشه نهم، کوچه یاس
پلاک ۲، واحد ۱۰، کد پستی: ۱۴۷۳۹۹۶۴۷۶

chameh1397@gmail.com
www.chamehmag.ir

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران ۰۲۵۳۶۶۶۶۶۶۶
تهران و شهرستان: پخش چشمه: ۷۷۱۴۴۸۲۱-۷۷۱۴۴۸۰۸
دکه های تهران: نشرگستر امروز نوین ۰۲۱۵۴۰۸۱۰۰۰

چامه ۱۵ >



پنجاه هزار تومان



شعر ◀ داستان ◀ گپ

c h a m e h



دوماهنامه ادبی

سال سوم، شماره پانزدهم

دی و بهمن ۱۳۹۹

فهرست مطالب **چامه** شماره پانزدهم

داستان ۳۳۳۴

آشا غنی زاده | ارمغان غیبی | سیمین نادمی | پورج قربانی |
صبا عباس پور

شعرزمان ۵۱۳۳۴

هرمز علی پور | عبدالرحمان فرقانی فر | حبیب پیام | علی
شهسواری | حسین فرخی | سعید یوسف نیا | حسن فرخی |
آرش نصرت‌اللهی | سریا داودی حموله |
فتاح پادیاپ فومنی | پیمان نوری | آرش عندلیب | علیرضا
مجابی | رسول رضایی | خدایار آزادی

ویژه‌نامه ۱۷۳۳۵۲

احمد خاتمی | ابوالفضل خطیبی | مظفر احمدی دستگردی |
پرادز اکتور شروو | محمود امید سالار | داود خزایی |
امید مجد | محمد صادق گرانبها | زاگرس زند | محمد
شکری فومشی | زهرا آقابابایی | مهناز مقدسی | علی ایمانی
| خاطره خسروی

شعر امروز ۱۸۳۶۱۷۴

سید علی صالحی | فیروزه برازجانی | محمد تو کلی کوشا |
فانوس بهادروند | صوفیا آهنکوب | رضا بهادر | رضا بروسان |
حجت بخشوده | محمد علی شکیبایی | سیروس امیری زنگنه |
رضا ایلخانی | نسترن بشر دوست | اکبر قناعت زاده | مهشید
رستمی | فریده تو کلی | سامان سایبانی | محمود نائل |
الهام چگینی | گویا فیروز کوهی

کب ۲۰۳۶۱۸۴

سید محمد دبیر سیاقی | فاطمه رکنی | پروین کاوسی
حسن ذوالفقاری | علی عظیمی نژادان | رکسانا حمیدی

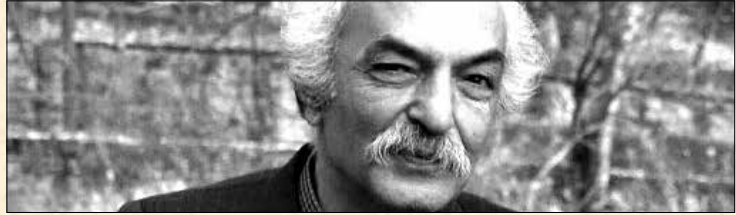
چامک ۲۱۹۶۲۰۴

مهر و پیر حیاتی | نقد رمان رهش از رضا امیرخانی

ترجمه ۲۲۹۶۲۲۰

مسعود غفوری | ایدرین سو | صادق رحمانی | محمد الامین
الکرخی

شعر
۵۲



برای این دیدار اما هیچ تعریف کاملی پیدا نمی‌کنم. باران به دیدنات | معنای تازه بگیرد | چمن‌ها که گام بر آن‌ها برمی‌داری | کوچه و خیابانی که | از بدرقه‌ی کفش‌های ات | پراز خاطره می‌شود | مهم‌تر از همه‌ی این‌ها | دل خودم را بگویم که جهان تازه‌ای بسازد | با دو انسان که به آشکار و به پنهان | به هم نیاز دارند.

شعر
۴۵



گاهی که آسانسور خراب می‌شود | و من که همیشه خوش نداشته‌ام راه‌پله را | به خاطر تاریکی‌اش | یا نوری که | آمد را | رفت را روشن کند | برای چشم‌های پشت چشمی درها | و ترجیح داده‌ام از پله‌های اضطراری | پایین بروم | بالا بروم | از این راه‌پله‌ی اضطراری | این راه‌پله | پله | پله‌ی اضطراری ... عزیزم | کاش خراب شود | خراب بماند آسانسور | تا من برای همیشه سخت بالا بروم

داستان
۲۲



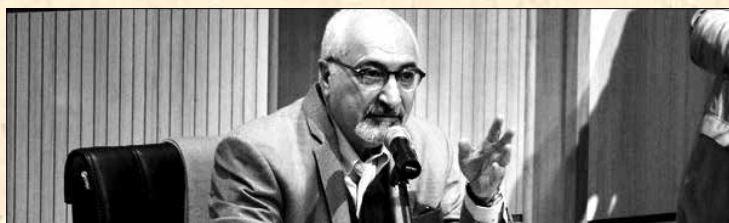
ناهارم چلوکباب سلطانی گرفتیم . می‌دونم خیلی دوست داری . یادته با آقام می‌شستین می‌خوردین ، من و رحیم از پشت شیشه نگاه می‌کردیم . اینقده آب دهنمونو قورت می‌دادیم ، دهنمون خشک می‌شد . یه لنگه پا و می‌سادی تا آقام اجازه بده بیاییم سرسفره . چون آتیش سوزونده بودیم باید پشت در می‌موندیم . وقتایی که نمی‌داشت بیایم تواتاق ، ما می‌موندیم با گلودرد و بوی چلوکباب و حسرت خوردنش .



داستان ایرانی

۱۸

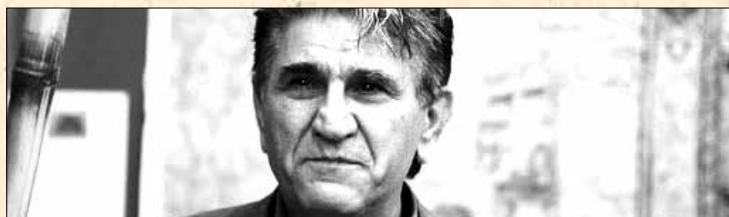
چرا مثل غریبه‌ها واسادی دم در؟ الهی قربونت بره ننه، ببین برات گیلان و آلبالو شستم، کم بخور رودل نکنی بیاری بالا.
بیا بشین پیشم چای قند پهلوی برات بریزم هر چند تا قند خواستی بخور، دیدم قندارو می‌چپونی تو جیبست، دیگه دعوات نمی‌کنم.
واست توپ پلاستیکی خریدم فقط شوت نکن تو باغچه که بوته گل محمدی رو بشکونی و حرصی بشم تو پتو پاره کنم.



ویژه‌نامه

۹۴

ایرانیان کرسیوز را طراح اصلی ریختن خون سیاوش می‌دانند. با این همه، بلعمی این کار سهمگین را به برادر دیگر افراسیاب، برسرخان، نسبت می‌دهد. با وجود این، در این روایت کرسیوز نیز، همانند افراسیاب که دخترش را به زنی به سیاوش داده است، خویشاوند شاهزاده سیاوش به شمار می‌آید. طبق گزارش شاهنامه، مادر سیاوش نوهی کرسیوز و یایکی از خویشان نزدیک اوست.



ویژه‌نامه

۸۰

اصلاً شاهنامه‌شناسی را ما می‌توانیم به دو دوره تقسیم کنیم: یکی از آغاز تا زمان خالقی مطلق و دیگری از زمان خالقی مطلق به بعد، من واقعاً به این تقسیم‌بندی اعتقاد دارم، یعنی تأثیر و تحولی که دکتر خالقی مطلق در تصحیح و تحقیق و پژوهش درباره شاهنامه انجام داده‌اند، بی‌نظیر است. اگر شما کتاب را نگاه کنید می‌بینید که در حوزه‌های مختلفی چون تحقیقات اسطوره‌ای، زبانی و مسائل مختلف شاهنامه کار کرده است.

جستار ۱۲۰



بیشتر رونویس‌کنندگان آشنایی مختصری با ادبیات کهن فارسی داشته‌اند. برخی تنها سواد خواندن و نوشتن داشته و خطی خوش برای رونویسی؛ که شغل آن‌ها نیز همین بوده است. در نتیجه بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات شاهنامه را درست در نمی‌یافته و طوطی‌وار رونویسی می‌کرده‌اند. رونویس‌کنندگان بی‌سواد دو دسته بودند: امین و ناامین.

گپ ۱۹۴



فارسی عمومی کتابی است که برای دانشگاه تدارک دیده شده. کتاب‌های درسی دبیرستان، بعد از انقلاب، تا سال ۱۳۷۰ دست نخورده ماندند و همچنان تدریس می‌شدند. در سال ۱۳۷۰ که آقای دکتر حداد عادل از بنده دعوت کردند برای گروه ادبیات، آن‌جا ما شروع کردیم به یک دوره برنامه‌ریزی جدید برای مقاطع ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان.

ترجمه شعر ۲۲۲

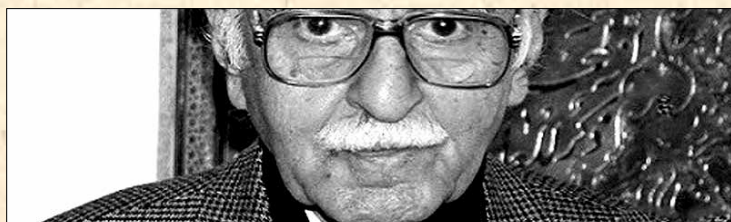


در شعرهای ایدرین سونه تنها تأکیدی بر سیاست یا اقتصاد، بلکه حتی بر احساس وطن‌پرستی هم نیست. نام شعر (که تنها ارتباط تماتیکی با شعرهای چین ۱ و ۲ دارد) به تأثیر این کشور مادری بر روی هویت فردی و برداشت‌های اجتماعی و رفتار روزمره اشاره دارد، بدون این که بخواهد واقعا انتقاد آمیز یا فلسفی باشد.



ویژه نامه ۷۴

وجود خالقی که بیش از بیست سال عمر خود را صرف تصحیح شاهنامه فردوسی کرده و توانسته است مُنقح‌ترین نسخه شاهنامه را به جامعه علمی عرضه کند و ایرانیان را به وجود نسخه‌ای علمی تراز شاهنامه مفتخر نماید و نسخه مُصحح آکادمی علوم مسکورا که سال‌ها مورد استناد محققان و پژوهشگران بوده، پشت سر نهد شایسته تقدیر و تحسین است.



گپ ۱۸۶

در این دوره ما چهار میلیون فیش تهیه کردیم؛ فیش‌هایی که غیر از فیش‌های لغت‌نامه بود. سال ۱۳۵۹ یک گزارشی را بنده ارائه دادم که این لغت‌نامه تمام شده، ولی ما یک مقدار کار آماده داشتیم که قرار شد بر اساس آن، کار لغت‌نامه فارسی را انجام دهیم. دوستان موافقت کردند و گفتند همان بودجه لغت‌نامه دهخدا را می‌دهیم برای لغت‌نامه فارسی.



نقد کتاب ۲۵۱

رضا امیرخانی در رهش روشنفکری است که به نظر می‌رسد ایده‌هایش امروز دیگر گره‌گشای کلاف سردرگم شهر تهران نیست. اکنون ما در مواجهه با واقعیت تهران اندوهگین می‌شویم، اما در تهران رهش خیر. چون رنج مشترک دیده نمی‌شود. امیرخانی رمانش را مقاله‌ای در باب مسائل اخلاقی، اجتماعی شروع و به پایان می‌رساند که نتوانسته زیباشناختی یا عدم آن را با واقعیت نشان بدهد. حقیقتی را مطرح کرده که در واقعیت گم شده است.

چامه‌ورزی

صادق رحمانی



شعرو روایت در این جهان کاری ویژه می‌کنند؛ این‌که دوست دارند جهان را از ناپاکی‌ها و پلشتی‌ها آزاد کنند. بی‌گمان زشتی‌ها، چهره‌ی جهان را مخدوش می‌کنند و اهل قلم در پی آن‌اند که روح آدمی را از این همه فاصله بین دست و زبان پالایش کنند.

شاید ما حافظ و سعدی و مولوی و شاهنامه فردوسی و شعرشاعران امروز و شاعران و نویسندگان جهان را می‌خوانیم تا به گشودگی روح و روان برسیم؛ رنج‌ها را تاب بیاوریم و کلمات را سایه‌بانی کنیم تا آفتاب را در سایه‌ی امن آن ببینیم. شاعران و نویسندگان با کلمات و ایده‌هایی که دارند، در برابر ناخالصی‌ها تاب می‌آورند و دیگران را در دریافت حقیقت یاری می‌رسانند، و اگر این نبود، ما ایرانی‌ها و پارسی‌زبان‌ها این‌گونه به تقدیس شعرو زبان فارسی بر نمی‌خاستیم. تلاش ابوالقاسم فردوسی برای ساختن واژه‌های شاعرانه، و الهام از ناخودآگاه و صیقل دادن آن در کارگاه خودآگاهی نوعی نسبت‌کاری بر کلمات است. در این کارگاه است که فضای روایی شعر را - با آهنگ حماسی - بر کلمات تنگ می‌کند تا بهترین معانی خلق شود. و چنین است که خود می‌گوید:

بسی رنج بردم در این سال‌سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

و از پس هزار و اندی سال، دانشی مردی برخاسته از گل رنج‌های کهن، سخن‌های دیرینه‌ی شاهنامه را شاید به همان مرارتی که فردوسی در خلق اثر بر خود همواره کرد، به تصحیح نسخه‌ی پاکیزه‌ای از شاهنامه پرداخت. در این شماره از چامه، دوستان و شاگردانش در این باره سخن گفته‌اند و من بر این کار سزاوار نیستم. با این حال، کتاب ۵۷۸ صفحه‌ای فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی به ترجمه‌ی ایشان را از آغاز تا به پایان خوانده‌ام. دلیل آن هم علاقه‌مندی من به زبان فارسی میانه است که خود یکی از گویشوران آنم و هنوز در بخش گسترده‌ای از جنوب غربی فارس تا هرمزگان و سواحل بدان سخن می‌گویند. این فرهنگ را انتشارات مهرافروز در اصفهان، به سال ۱۳۹۴ به چاپ رسانده است. سنگ بنای آن را پاول هرن گذاشت و هاینریش هوبشمان بر آن توضیحات سودمندی افزود و از پی ۳۷ سال به قلم دکتر جلال خالقی مطلق بازگردان و چاپ شد. در کار این فرهنگ، باز همان دقت و سخت‌کوشی علمی استاد را شاهد هستیم.

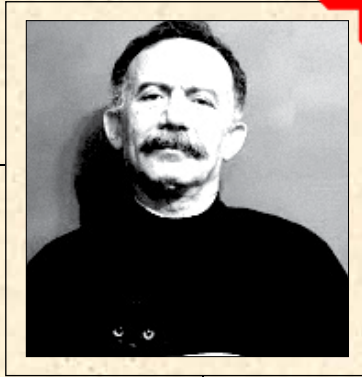
شعر تا زمانی که منتشر نشده، از آن شاعر است، و هنگامی که در منظر دیگران قرار گرفت، از آن دیگران. راز این که شعر شاعران اصیل و بزرگ ما تا هنوز زنده است و نفس می‌کشد، این است که شعر آنان به شیء تبدیل نشده و در هر روزگاری، مردی از سرخویشکاری، آن را توسعه داده است. کار سترگ و طاقت سوز فردوسی را دکتر جلال خالقی مطلق و دیگران، در طول هزار سال توسعه داده‌اند تا در موزه‌ی تاریخ ادبیات به شیء تبدیل نشود. هشت جلدی *شاهنامه‌ی ابوالقاسم فردوسی با تصحیح و شرح دکتر جلال خالقی مطلق*، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با مدیریت محمد کاظم بجنوردی منتشر شده است.

در این شماره از چامه، تلاش عاشقانه‌ی جلال خالقی مطلق را در تصحیح و توضیح *شاهنامه* ارج گذاشته‌ایم و دوستان و دوستداران او، هر یک به فراخور مطلب، یادداشت و پژوهشی را به ایشان تقدیم کرده‌اند. چندین مقاله پژوهشی تازه که منبع سودمندی می‌تواند برای تحقیقات در این زمینه‌ی تخصصی، به شمار آید.

همچنین، گفت‌وگوی ایشان را خواهید خواند و با بخشی از شعرها و ترانه‌های او که برای نخستین بار منتشر شده است، آشنا خواهید شد. این گفت‌وگو به صورت ایمیل انجام شده است و گفتنی‌های تازه‌ای در لابه‌لای آن به علاقه‌مندان عرضه شده است.

در پایان این گفتار گفتنی است که پیشنهاد این ویژه‌نامه را خانم خاطره خسروی، هم‌کلاسی دوره‌ی دکتری دادند و با کمال میل پذیرفتم. در آغاز شاید این مایه از سختی در کار را گمان نمی‌برد، اما اکنون میوه‌ی شیرینی در دست ماست. از ایشان و همه‌ی نویسندگان بخش ویژه‌نامه که با دقت و وسواس‌گونه این مجموعه را در دسترس علاقه‌مندان قرار دادند، سپاسگزارم. اگر دوستان و خوانندگان چامه، پیشنهادهایی از این دست دارند، به دیده‌ی منت می‌گذارم، زیرا کار من خدمتگزار فرهنگ و ادب نیز سبک‌تر خواهد شد.

اکنون و از این دور دست، به دکتر جلال خالقی مطلق درود می‌فرستیم و تلاش او را در پاس داشت زبان فارسی، پاس می‌داریم. بی‌گمان چراغی که او در این پهنه برافروخت، روی خاموشی را نخواهد دید و گرمای آن را نیز آیندگان و روندگان حس خواهند کرد.



در امانم از نور
من این جا هستم
با کلاغ سیاهم

رازی نبود با تو نگویم
همین است که هیچ نمی دانی
از من

هفتاد سال ندیدمش
هم هزار سال
بعد از آن

از بنفشه بگویم
هم از نسیم
هم آن راز سر به مهر میانشان

به گنجشک فکر می کنم
به قلب کوچکش
که می تپد برابر دنیا

باد باش
همیشه باش
همیشه بگذر

نشان می دهد که هست مرگ
تو هم که هستی
نشانه ای بگذار

دیروز
آخرین صبح جهان بود
همچنان که امروز

شانزده شعر

| بیوس نوذری

بیدام نمی‌کنی
آبی‌ام
تکه‌ای از آسمان

نوبت من است اکنون
بدرود
شب‌نم سحری

می‌شود که نباشد کوه
نمی‌شود که نباشد
مرگ

بماناد عهدی میان ما
من کنار شقایق
خواهم مرد

برابر این صحرا
من که ساکت نیستم
فقط حرف نمی‌زنم

سفید پوشیده‌ام زیر برف
نگرد
نمی‌یابی‌ام

گلی دارم از سنگ به دست
هزار سال
هنوز که هست

از نفس خواهد افتاد جیرجیرک
کی بی تو
خواهم مرد؟



داستان

زیر نظر محمد جواد جزینی

آشا غنی زاده | ارمغان غیابی | سیمین نادمی
پورج قربانی | صبا عباس پور



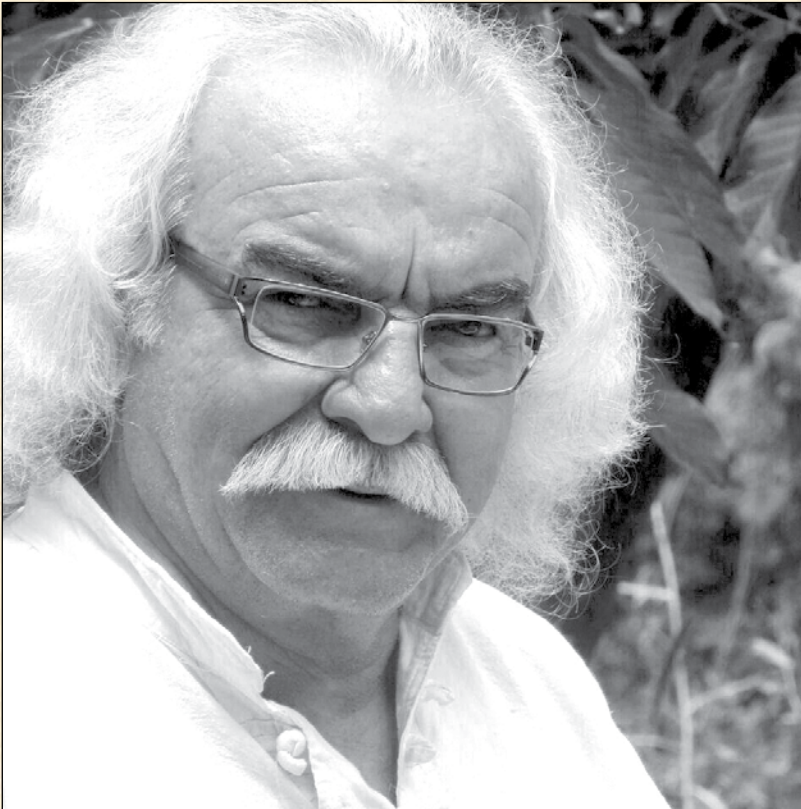
برمی‌گردم پشت سرم رانگاه می‌کنم.
یک پاترول مشکمی است که روی
باربندش دوچرخه بچه‌گانه بسته‌اند.
دوباره به صندلی عقب تکیه می‌دهم.
راننده سیگاری از توی پاکت بیرون
می‌کشد و زیر لب می‌گوید: «انقدر
بوق بزن جونت درآد. کوره نمی‌بینه
ترافیک رو. آخه کجا برم یابو؟»





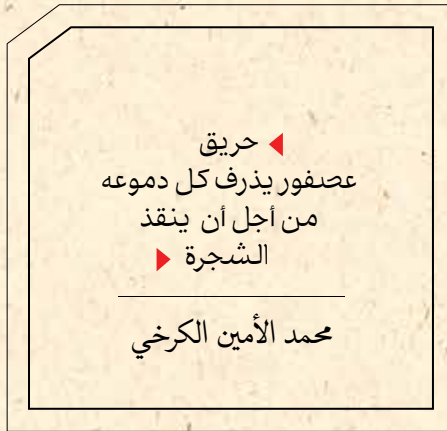
شماره شانزدهم مجله چامه (اسفند و فروردین ۱۳۹۹-۱۴۰۰) ادای احترام دوستان و شاگردان به **سید علی صالحی** است. از خوانندگان علاقه‌مند به این شاعر گرامی درخواست می‌کنیم، جستارها، خاطرات و تصاویر گروهی با ایشان را در صورت تمایل به نشانی زیر بفرستند:

c h a m e h 1 3 9 7 @ g m a i l . c o m





Interview Story Poem



www.chamehmag.ir

